

تأملی بر مفهوم سیاسی فعالیت های حقوق بشری ایرانیان موفقیت ها و چالش ها

لادن برومند

سخنرانی در دهمین نشست تلاش برای حقوق بشر



دروغ محض و خشونت خالص دو اهرمی است که استمرار نظام های توتالیتر را تضمین می کند. دروغ محض تصویری غیر واقعی از جامعه ارائه می دهد و خشونت خالص هر واقعیتی را که منکر و نافی واقعیت دروغین نظام است نابود می کند و نمی گذارد شهروندان کشور و به طریق اولی جامعه جهانی واقعیت اجتماعی این نظام ها را آن طور که هست ببینند. سرّ تداوم نظام های توتالیتر در آمیزش موفقیت آمیز دروغ محض و خشونت خالص است، این تلفیق شیطانی است که به شکلی معجزه آسا شکست فاحش این نظام ها در همه ابعاد زندگی اجتماعی را مبدل به پیروزی می کند. با ارائه تصویر کاذب یک جامعه یک پارچه و مطیع به جهانیان چنین القاء می کنند که ایدئولوژی شان ریشه در فرهنگ کشور دارد و مورد حمایت مردمشان است. و بدین ترتیب جهانی را که می تواند با ملت مظلوم همبسته باشد از او رویگردان می کنند و ملت خود را به انزوا می کشند و از این طریق سیطره خود را بر مردمشان مستحکم می کنند.

به رغم تفاوت های فاحشی که در جهان بینی نظام های توتالیتر وجود دارد، دروغ محض و خشونت خالص دو رکن اصلی و وجه مشترک همه این نظام هاست که ریشه در دشمنی آشتی ناپذیر آنها با جهانی بینی انسان محور دارد. آنها در برابر تعریف انسان به عنوان یک عنصر آزاد، خودمختار و بهره مند از کرامت ذاتی و حقوق طبیعی قد علم می کنند و مدام هرچه را نشان از آزادی و خودمختاری انسان دارد حذف می کنند. همانطور که در صحنه جهانی تصویر جامعه ای یکپارچه و مطیع را پخش می کنند، در درون سعی می کنند تصویر انسانی بی اختیار و مطیع ایدئولوژی حکومتی را به تک تک شهروندانشان القاء کنند و آنها را به اطاعت بی چون و چرا وادارند.

به همان اندازه که دروغ محض برای مصرف بین المللی نظام توتالیتر لازم است، خشونت خالص برای مصرف داخلی واجب است. چون شهروندانشان در درون واقعیتی زندگی می کنند که هرروز و هر لحظه دروغ محض آنها

را نفی می کند، و نمی توان آنان را همچون افکار عمومی جهانی تنها با دروغ فریفت؛ خشونت عریان شرط لازم تحمیل دروغ حکومتی به شهروندان است. و به همین دلیل است که چهل سال پس از انقلاب اسباب و وسائل ترور، و نهادهایی چون دادگاه های انقلاب هنوز پابرجاست.

فعالین حقوق بشر در چنین شرایطی قدم به میدان مبارزه می گذارند. در نگاه اول آنها در برابر عظمت صنعت دروغ-پردازی و پروپاگاند نظام و هیبت خوفناک زرادخانه و اسلحه و مهمات و سپاه و بسیج آن، بس ناتوان و بی قدرت به نظر می رسند. اما با تأمل بیشتر می توان دریافت که فعالان حقوق بشر دو اسلحه خطرناک برای موجودیت نظام در اختیار دارند، یکی حقیقت است و دیگری ایمانشان به حقوق و کرامت انسانی. این دو سلاح برای نظام توتالیتار مهلک است. چون هر دو زوال ناپذیراند. حقیقت چون حقیقت است تکذیب نمی شود، در حالیکه موجودیت دروغ با نشر حقیقت در خطر می افتد. دیگر این که تعریف انسان در جهانی فعالان حقوق بشر مبتنی بر طبیعت انسان است، و طبعاً برای متقاعد کردن افراد به خشونت نیاز ندارد و به راحتی شهروندان را به خود جذب می کند. با زیستن در حقیقت، مستند کردن و انتشار آن در سطح جهانی فعالان حقوق بشر جهانیان را از وجود واقعی غیر از واقعیت کاذب نظام آگاه می کنند، آنها تصویر ملّتی را در اذهان عمومی جهانیان منعکس می کنند، که خود تحت ستم است، به ارزش های جهانشمول انسانی احترام می گذارد و خواستار پیشبرد آن در کشور و خواهان روابط دوستانه و صلح آمیز با دیگر ملل جهان است. با در هم شکستن انحصار حکومت در بیان واقعیات، فعالان حقوق بشر ضربه مهلکی به مشروعیت نظام در سطح جهانی وارد می کنند و از شدت انزوای مردم ایران می کاهند. و بدین ترتیب زمینه ساز ایجاد پیوندی نوین بین ملّت خود و جامعه جهانی می شوند. این ادعا مبتنی بر یک استدلال انتزاعی نیست بلکه نتیجه مشاهدات سالها فعالیت های بنیاد عبدالرحمن برومند و دیگر سازمان های حقوق بشری ایرانی در خارج از کشور است.

رویا در مورد اهمیت و نقش مستند کردن حقیقت و نشر آن در محافل بین الملل صحبت کرد. حضور فعالان حقوق بشر در نهادهای بین الملل و به رسمیت شناخته شدن صدای آنها چالشی غیر قابل توقع برای نظام سرکوبگر است، و خود شاهی است بر پیروزی آنها در در هم شکستن انحصار روایت دولتی از واقعیات و جامعه ایران. افزایش تعداد، رشد و تشدید فعالیت های سازمان های حقوق بشری ایران در بیست سال اخیر در خارج از کشور به رغم قلع و قمع آنها در داخل کشور، نمودار این است که آنها موفق شده اند دیوار انزوایی را که حکومت حول ملّت ایران کشیده است در هم بشکنند، و به صورت خود مختار پیوند های خود را با جامعه بین الملل و به ویژه جامعه مدنی جهانی مرمت و بازسازی کنند. چون بدون حمایت جامعه مدنی جهانی شرایط گسترش فعالیت های حقوق بشری برون مرزی فراهم نمی شد. بگذارید از تجربه بنیاد عبدالرحمن برومند بگویم که بدون حمایت های مالی، تکنولوژیک و معنوی نهادهای بین المللی و خصوصی نمی توانست دامنه فعالیتش را چنین گسترش دهد. اندکی در معنی عمیق این حمایت ها که هدف همه افتراها و اتهامات نظام نیز هست تأمل کنیم. این حمایت ها نشانه ادغام سازمان های حقوق بشری ایرانی در یک شبکه همبستگی بین الملل مبتنی بر اعتقاد مشترک به حقوق جهانشمول بشری است. این شبکه همبستگی جهانی خود پدیده ایست نوین در روابط بین الملل که انحصار دولت ها را در تعیین شکل این روابط شکسته است و بازیگران و نقش آفرینان غیر دولتی را به عنوان مخاطب رسمی و مشروع به ساختار روابط بین الملل تحمیل کرده است. در واقع ما در شرایط تاریخی قدم به میدان گذاشتیم که مخاطبین جهانی مان از اهمیت نقش ما و مبارزه ای که برای حقوق جهانشمول بشری می کنیم آگاهند. آنها می دانند که دفاع از حقوق بشر در ایران یا در تونس در نهایت دفاع از حقوق بشر در پاریس یا در استکهلم است. آنها می دانند که حقوق انسانی خودشان وابسته به تعمیم این حقوق به همه اعضای خانواده بشری است، این آگاهی یکی از عوامل تعیین کننده موفقیت سازمان های حقوق بشری ایران بوده است.

این موفقیت اما در برابر ابعاد خشونت دولتی و نقض روزمره و گسترده حقوق بشر در ایران بس ناچیز است. اگر ما بخواهیم به هدف مان که اعمال حقوق بشر در ایران است دست یابیم باید شبکه همبستگی حقوق بشری مشابهی در میان مخاطبین اصلی مان یعنی ایرانیان خارج و داخل کشور ایجاد کنیم. در این مهم با موانع جدی روبرو هستیم.

تلفیق دروغ محض و خشونت خالص در چهل سال اخیر، به گسست همه پیوندهای اجتماعی، تلاشی بافت های اخلاقی جامعه، انزوای شهروندان از یکدیگر، ایجاد سوظن و دشمنی بین آنها و در نهایت به انفعال بسیاری از شهروندان انجامیده، انفعالی که خود موجب قوام استبداد می شود و شرط لازم تداوم آن است. از نظر فرهنگی نیز مخاطبین ایرانی ما آشنایی مخاطبین غربی ما را با فلسفه و فرهنگ حقوق بشر ندارند. به همین دلیل ما نتوانسته ایم به رغم این که ایرانیان یکی از موفق ترین و مرفه ترین جوامع مهاجر در اروپا و امریکا را شکل داده اند، شبکه همبستگی حقوق بشری ایرانی مشابه با شبکه بین المللی حامی خود، ایجاد کنیم.

در رابطه با هموطنانمان وظیفه فعالان حقوق بشر بس سنگین تر از مستند کردن و نشر حقایق و شکستن انحصار روایت دولتی است. کار آنها ایجاد یک دیالوگ ممتد با هموطنانشان است که بستر انتقال ارزش ها و آرمان های حقوق بشری شود. این دیالوگ از طریق ارائه خدمات حقوق بشری بدون هیچ تبعیض و چشمداشت، همراه با تواضع و رعایت اصول اخلاقی، و شفافیت در روش کار ممکن می شود. شاید از این طریق بتوان پیوند های اخلاقی و اجتماعی را که نظام دروغ و خشونت به عمد برای منزوی کردن شهروندان متلاشی کرده است ترمیم و باز سازی کرد. شاید بتوان با پشت کار، حرکتی مبتنی بر ایمان و اطمینان را در میان هموطنان خارج از کشور ایجاد کرد و با پشتیبانی آنها و به کمک فضای مجازی فاصله جغرافیایی و دیواری که نظام بین شهروندان کشیده است را در هم کوبید. موفقیت ما در سطح بین الملل ثابت می کند که این کار غیر ممکن نیست. رویا و من به نوبه خود سعی کردیم با ایجاد **امید، یادبودی در دفاع از حقوق بشر**، قدمی هرچند کوچک در این راه برداریم.

هدف نهایی یادبود امید مستند کردن هریک از موارد اعدام قضایی یا فراقضایی است که مسئولیت آن به عهده جمهوری اسلامی ایران است. با تکیه بر اسناد و مدارک و شهادت گواهان و تحقیقات دیگر، صفحه ای در امید به دو زبان فارسی و انگلیسی تنظیم می شود، صفحه یادبودی که سرگذشت هریک از قربانیان را در بر دارد و در آن حکایت ظلمی که بر او رفته است، بازگو می شود.

هدف امید تنها ضبط آمار جنایات جمهوری اسلامی نیست، هدف آن ایجاد پلاتفورمی برای حقیقت گویی، جبران ظلم و آموزش حقوق بشر است. قاتلان می کشند تا رقیب را حذف کنند، اگرچه قربانی را نمی توان دوباره زندگی بخشید، می توان اما او را به دیار یادها بازگرداند. قاتلان با نقض حقوق بشری قربانی، عامدانه در پی هتک حرمت و حیثیت انسانی او هستند. برای ناکام گذاشتن آنان از رسیدن به این هدف می توان با برشمردن نمادین این حقوق نقض شده حیثیت انسانی فرد را پس از مرگ به او بازگرداند. ما سعی کردیم عدم تبعیض، شفافیت، پاسخگویی و حقوق انسانی را در روش، متن و محتوای کارمان بگنجانیم.

امید به شهری خاموش مبدل شده است که در آن قربانیان جبر و ستم از یاد و خاطره حیاتی دیگر یافته اند. این جا شهروندان را اصل، نسب، مذهب، قومیت و ملیت های گوناگون است، با کردار و پندارهای گوناگون و گاه متضاد. اما پیوندشان را در امید انسانیت و حقوق طبیعی شان قوام می بخشد. دلیل اشتراکشان در شهروندی این است که هر کدام یک روز به بی داد و نامردمی از حق حیات محروم شده اند، اما یادشان در امید زنده است. امروز در امید سرگذشت بیش از ۲۵۰۰۰ قربانی به امانت سپرده شده است. این قربانیان از ایران، آرژانتین، لبنان، ایالات متحده، فرانسه، ژاپن، افغانستان آمده اند. آنها مسیحی، یهودی، مسلمان شیعه و سنی، منکر خدا، بهائی، صوفی، فارس، بلوچ، عرب، کرد، ترک، آرژانتینی و افغان ... اند. آنها زن و مرد، کوچک و بزرگ، غنی و فقیر ... اند.

اگر گذرتان به این شهر مجازی افتاد خواهید دید که با درد مشترکشان شهروندان امید ایرانی دیگر ساخته اند، ایرانی خیالی، با نظامی مردم سالار، کثرت گرا و متنوع که در آن حقوق و کرامت ذاتی بشر نه تنها پایمال نمی شود بلکه احیا می شود. سرگذشت های امید همچون تکه های یک پازل اند که وقتی کنار هم گذاشته می شوند طنین روایتی دیگر را به گوش می رسانند، روایتی که انحصار روایت دولتی از تاریخ انقلاب و جمهوری اسلامی را می شکند. **جمع آوری این تکه روایت ها** کاری است سخت و طولانی، اما به شدت لازم اگر بخواهیم بفهمیم که کجا و چرا به خطا رفتیم و بیاموزیم که چه را باید اصلاح کرد تا شرایط زندگی در صلح و آزادی و عزت در کشورمان فراهم شود.

ما به تجربه می‌دانیم که هر بار فرزندی، پدري یا مادري، خواهری، برادری، یا دوستی، به دنبال نام عزیز نیست شده‌اش در تارنما می‌گردد، و تصادفاً صفحه آن عزیز را در یادبود امید می‌یابد، ناگهان می‌فهمد که هستند در جایی هموطنانی که همدردند با او، و ظلمی که بر او و عزیزش رفته است را تصدیق می‌کنند، یادش را گرامی می‌دارند و در کنارش برای دادخواهی ایستاده‌اند. بی تردید رویارویی با صفحه عزیزی در امید، موجب دگرگونی عاطفی در بازمانده می‌شود که بسان رشته‌ای، هر چند ظریف و شکننده، در ترمیم بافت همبستگی اجتماعی، که زیر حملات بی‌رحمانه خشونت دولتی از هم گسسته است، مؤثر خواهد بود. به شکلی ناپیدا، در کمال تواضع و با گذشت زمان، امید تجلیگاه همبستگی بین شهروندان می‌شود، آن همبستگی که شهروندان آزاد یک کشور را به هم پیوند می‌دهد و زمینه حرکت به سوی عدالت، آشتی و صلح را در جامعه فراهم می‌کند: سه شرط لازم برای گذاری پایدار به سوی دموکراسی در ایران.

اگر بازمانده یک قربانی هستید یا با او آشنایی داشته اید به پلتفرم حقیقت گویی امید بپیوندید و به ما در تدوین سرگذشت عزیزتان کمک کنید، تا حقیقت زندگیش مستند و منتشر شود و ایرانیان و جهانیان بدانند بر او چه رفته است. بیان حقیقت نخستین گام به سوی عدالت است و در عین حال اقدامی است تعیین کننده در تبدیل موقعیت فرد از یک قربانی منفعل به مدافع فعال عدالت و حقوق بشر. با کمک به کشف حقیقت نقش آفرین تاریخ کشورتان شوید.
